

تبیین هستی‌شناسانه نسبت میان ولایت و رفاه اجتماعی

پارادوکس مدرنیته؛ چرا پیشرفت مادی بدون ولایت به بن‌بست می‌رسد؟

تصور کنید در کلان‌شهری مدرن زندگی می‌کنید که پیشرفته‌ترین سیستم‌های آبیاری قطره‌ای، مزارع عمودی هوشمند و کارخانه‌های تمام‌خودکار را در اختیار دارد. در این شهر، علم پزشکی به قله‌های رفیعی دست یافته و شاخص‌های تولید ناخالص داخلی (GDP) اعدادی خیره‌کننده را نشان می‌دهند. با این حال، درست در سایه همین برج‌های تکنولوژیک، نرخ خودکشی، شکاف عمیق طبقاتی و حس بی‌معنایی در میان شهروندان رو به افزایش است.

این تنها یک تصور نیست؛ بلکه واقعیتی است که کم و بیش در بسیاری از جوامع مدرن رخ داده است. چرا با وجود حل معضلات فنی و دسترسی به ابزارهای تولید ثروت، جوامع مدرن همچنان با بحران‌های بنیادینی چون فقر مزمن و تبعیض سیستماتیک دست‌به‌گریبان هستند؟ این پرسش ما را به یک بازبینی ساختاری در مفهوم پیشرفت فرامی‌خواند: آیا رفاه صرفاً محصول ابزار است یا به یک رکن رکین و جهت‌دهنده در هستی نیاز دارد؟

کالبدشکافی مفهوم پیشرفت در غیاب غایت

پیشرفت در حوزه‌های چهارگانه اقتصاد، علم، صنعت و کشاورزی؛ در واقع توسعه توانمندی‌های سخت‌افزاری بشر محسوب می‌شود. از منظر تحلیلی، علم و صنعت ماهیتی «خنثی» دارند؛ یعنی ابزارهایی هستند که قدرت عمل انسان را افزایش می‌دهند اما لزوماً جهت حرکت او را تعیین نمی‌کنند.

هنگامی که این پیشرفت‌ها در غیاب یک الگوی کامل انسانی صورت می‌گیرند، جامعه با پدیده‌ای مواجه می‌شود که می‌توان آن را «تورم ابزاری» نامید. در این وضعیت، بشر ابزارهای تولید ثروت را دارد، اما به دلیل

نبود یک پیوند ولایی و هدایتی، این ثروت در مجاری ناصحیح به گردش درآمده و به جای رفع فقر، به انباشت سرمایه در دست عده‌ای محدود و در نتیجه افزایش فاصله طبقاتی منجر می‌شود؛ بنابراین، نخستین استدلال منطقی این است که پیشرفت مادی، شرط کافی برای رسیدن به سعادت نیست.

مشکلات تمدنی جهان معاصر، فراتر از گره‌های فنی و مهندسی هستند. فقر، فساد و تبعیض، بیش از آنکه ریشه در کمبود منابع داشته باشند، ریشه در «بحران مدیریت انسانی» و «فقدان الگوی عادلانه» دارند. در چنین شرایطی شناساندن امام زمان به دیگران صرفاً یک اقدام اعتقادی فردی نیست، بلکه معرفی کردن «نقطه پرگار» برای تنظیم تمامی مناسبات اجتماعی است.

بدون وجود این محور، حتی دقیق‌ترین فرآیندهای علمی و کشاورزی نیز نمی‌توانند به توزیع عادلانه منجر شوند؛ در واقع، امام به عنوان واسطه فیض و مظهر عدالت مطلق، تنها کسی است که می‌تواند ساختارهای انسانی را از میل به ستم و خودخواهی به سمت ایثار و وفاداری سوق دهد تا خروجی سیستم، به جای «فساد»، به «فلاح» منتهی شود.

تحلیل بحران در جوامع پیشرفته: برهان خلف

برای اثبات این ادعا که پیشرفت مادی به تنهایی نجات‌بخش نیست، می‌توان به وضعیت جوامع توسعه‌یافته استناد کرد. این جوامع، به عنوان آزمایشگاه‌های بزرگ مدرنیته، تمامی متغیرهای مادی (علم، صنعت و ثروت) را به حداکثر رسانده‌اند. با این حال، خروجی این سیستم‌ها همچنان بازتولید فقر و نابرابری است.

این واقعیت نشان‌دهنده یک «حلقه مفقوده» در معادلات تمدنی است. این حلقه مفقوده، همان حضور و حاکمیت امام در متن زندگی بشری است. وقتی جهت‌گیری یک جامعه بر پایه «وفاداری و حرکت در مسیر مهدوی» تنظیم نشده باشد، ابزارهای پیشرفته علمی به جای آنکه در خدمت رفع آفت‌ها قرار گیرند، خود به ابزاری برای تحکیم تبعیض تبدیل می‌شوند. اینجاست که ضرورت توسعه مهدوی به عنوان تنها راهکار خروج از بن‌بست‌های مدرنیته آشکار می‌گردد.

آفت‌شناسی تمدنی: فقر، فساد و تبعیض

رهبر معظم انقلاب با نگاهی دقیق به واقعیت‌های موجود، بر سه آفت بنیادین «فقر، فساد و تبعیض» تأکید کرده‌اند. از منظر هستی‌شناختی، این سه پدیده، معلول مستقیم دوری از الگوی کامل انسانی هستند.

فقر: محصول عدم توزیع عادلانه بر اساس مبانی الهی.

فساد: نتیجه خروج از صراط مستقیم و نبود نظارت باطنی و ولایی بر عملکردها.

تبعیض: حاصل ترجیح منافع فردی بر منافع جمعی در غیاب نگاه توحیدی.

تا زمانی که جامعه به ضرورت حرکت مهدوی پی نبرد، این آفت‌ها به صورت ساختاری بازتولید خواهند شد. در حقیقت، حل این معضلات نیازمند یک انقلاب معرفتی است که در آن، امام به عنوان هادی و ناظر بر نظام‌سازی‌های اجتماعی شناخته شود. تنها در سایه توسعه مهدوی است که می‌توان ساختارهایی بنا کرد که به طور خودکار مانع از بروز فساد و تبعیض شوند.

وفاداری مهدوی؛ کلید تغییر رفتار اجتماعی

وفاداری به معنای انطباق اراده‌های خُرد انسانی با اراده کلان الهی است؛ اگر این انطباق صورت نگیرد، هر چقدر هم که تکنولوژی پیشرفت کند، انسان‌ها همچنان بر اساس الگوی «تنازع بقا» با یکدیگر رفتار خواهند کرد.

حرکت در مسیر مهدوی، منطق حاکم بر اقتصاد و اجتماع را از «سودمحوری محض» به «حق‌محوری» تغییر می‌دهد. این تغییر ریل، بلاهایی را که دامن‌گیر جوامع بشری شده است (از جمله بحران‌های زیست‌محیطی ناشی از صنعت بی‌رویه یا فقر ناشی از اقتصاد سرمایه‌داری) مرتفع می‌سازد. از این منظر، توسعه مهدوی نه یک آرمان دوردست، بلکه یک ضرورت فوری برای بقای تمدن بشری است.

نسبت میان مهدویت و رفاه در زندگی روزمره

تمامی مواردی که به عنوان نقش و نشانه‌های حضور امام در اجتماع برشمردیم، مقدماتی است که پس از ظهور امام محقق خواهند شد. اما نکته مهم‌تر اینجاست که مقدمه محقق شدن ظهور رسیدن جامعه به سطحی حداقلی از همدلی و وفاداری است. ظهور تنها به دست اجتماعی تحقق پیدا میکند که افراد و اعضای آن به درک درستی از وجود خویش در نسبت با امام دست پیدا کرده و بتوانند در این جغرافیا نقش خود را به درستی ایفا کنند.

چنین جامعه‌ای حتی پیش از تحقق ظهور جمعی امام از موهبات حضور امام در مدیریت و تعدیل ۴ بخش پایینی وجود به‌رمند خواهد شد و پس از رسیدن به لحظه شکوهمند ظهور از تربیت انسانی و رسیدن به کمال انسانی تحت تربیت متخصص معصوم هم بهره خواهد برد.

باید دقت کنیم که رسیدن به تعادل و رفاه حقیقی تنها یکی از مواهب فرعی ظهور امام است و اصل مساله درک و شناخت انسان از خود به قدر و قیمیت حقیقی خود است.

با بررسی سیر بحث، به این نتیجه منطقی می‌رسیم که مشکلات دنیا یک «راه‌حل جزئی» ندارند. نمی‌توان با اصلاح صرف قوانین مالیاتی یا پیشرفت در تکنولوژی کشاورزی، ریشه فقر را کند. این مشکلات، معلول یک علت واحد هستند و آن «انقطاع بشر از منبع هدایت الهی» است.

تا زمانی که امام زمان به عنوان قطب‌نمای حرکت بشری شناخته نشود، پیشرفت‌های علمی تنها به پیچیده‌تر شدن بحران‌ها کمک می‌کنند. همان‌گونه که در سال‌های اخیر مشاهده شده، غفلت از این مبانی، آفت‌های اجتماعی را عمیق‌تر کرده است. در نتیجه، تنها راه خروج از این «بلا»، بازگشت به مسیر ولایت و تلاش برای پیاده‌سازی مدل توسعه مهدوی در تمامی سطوح حکمرانی و زندگی فردی است.

برای رسیدن به جایگاهی که در آن فقر و تبعیض ریشه‌کن شود، باید سه گام اساسی برداشته شود:

۱. معرفت‌افزایی: شناساندن امام به عنوان تنها حلال واقعی مشکلات تمدنی.

۲. ساختار سازی: تنظیم اسناد بالادستی و سیاست‌های اقتصادی بر اساس تلاش برای ظهور.

۳. مطالبه‌گری: ایجاد جریان اجتماعی برای رفع آفت‌های فساد و تبعیض با شاخص‌های مهدوی.

این سه گام، شاکله اصلی توسعه مهدوی را تشکیل می‌دهند و بدون آن‌ها، هرگونه تلاش برای بهبود وضعیت اجتماعی موقت خواهد بود که در درازمدت به شکست می‌انجامد.

بشر امروز در یک پیچ تاریخی قرار دارد. از یک سو با قله‌های پیشرفت مادی مواجه است و از سوی دیگر در دره‌های عمیق فقر و بی‌عدالتی سقوط کرده است. تنها راه نجات، نه در بازگشت به عقب، بلکه در «جهت‌دهی الهی به پیشرفت» است.

شناخت امام زمان و التزام به وفاداری مهدوی، همان کیمیایی است که صنعت، علم و اقتصاد را از ابزارهای تخریب و استثمار، به ابزارهای ساختن جهانی سرشار از رفاه و سعادت تبدیل می‌کند. پیگیری الگوی توسعه مهدوی تنها تضمین برای این است که آفت‌های سه‌گانه فقر، فساد و تبعیض، برای همیشه از پهنه گیتی محو گردند.

محال است جامعه‌ای به رفاه حقیقی و پایدار دست یابد مگر آنکه خود را در مدار ولایت تعریف کند. تحقق توسعه مهدوی، آرمان‌شهری خیالی نیست، بلکه ضرورتی است که از دل ناکامی‌های مکرر تمدن‌های مادی برآمده است؛ بنابراین، رسالت اندیشمندان و مصلحان اجتماعی، تبیین دقیق این نسبت و استخراج راهکارهای عملیاتی برای پیوند زدن پیشرفت‌های نوین به مبانی اصیل ولایی است. این مسیر، تنها مسیری است که به سعادت واقعی بشر منتهی خواهد شد و او را از زنجیرهای خودساخته فقر و تبعیض رها خواهد ساخت. در این چهارچوب، توسعه مهدوی به معنای تعالی همه‌جانبه انسان در سایه‌سار هدایت معصوم است.